



اصول فقه ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۳۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای علی خالق‌پور

مقدمه

تا بدین جا دانستیم نقش قیودی که شارع در تکالیف قید می‌کند این است که واجب را تخصیص کرده و حصه خاصی را بعنوان مأموریه مطرح سازد. اما قیود تکلیف، همانطور که می‌توانند از ناحیه شرع مطرح گردند، ممکن است بدون اشاره شرع و به اقتضاء تکوین لازم گردند.

در این درس به هر دو گونه این قیود خواهیم پرداخت و بین آن‌ها مقایسه خواهیم نمود.

هم چنین دانستیم که فعلیت وجوب مقدماتی که به‌عنوان قید واجب مطرح هستند، بعد از فعلیت وجوب ذی‌المقدمه (واجب) است. با توجه به این نکته، مشکلی نسبت به برخی مقدمات پیش می‌آید که در صورت انجام نشدن قبل از فعلیت وجوب، واجب فوت خواهد شد.

حل مشکل این مقدمات که از آنها به «مقدمات مفوته» یاد می‌کنند، مورد بحث‌های اصولی مفصلی قرار گرفته است.

در این درس به بررسی این مقدمات و تبیین اشکالی که از ناحیه آن‌ها بروز می‌کند نیز می‌پردازیم.

متن درس

قيود الواجب على قسمين:

عرفنا حتى الآن من قيود الواجب القيد الذي يأخذه الشارع قيда، فيحصر به الواجب و يأمر بالحصة الخاصة، كالطهارة و تسمى هذه بالقيود أو المقدمات الشرعية. و هناك قيود و مقدمات تكوينية يفرضها الواقع بدون جعل من قبل المولى، و ذلك من قبيل إيجاد واسطة نقل، فانها مقدمة تكوينية للسفر بالنسبة إلى من لا يستطيع المشى على قدميه، فإذا وجب السفر كان توفير واسطة النقل مقدمة للواجب حتى بدون ان يشير إليها المولى، أو يحصر الواجب بها، و تسمى بالمقدمة العقلية.

و المقدمات العقلية للواجب من ناحية مسئولية المكلف تجاهها كالقيود الشرعية، فإن أخذت المقدمة العقلية للواجب قيда للوجوب لم يكن المكلف مسئولا عن توفيرها، و الا كان مسئولا عقلا عن ذلك، بسبب كونه ملزما بامثال الأمر الشرعى الذى لا يتم بدون إيجادها.

و المسئولية تجاه قيود الواجب سواء كانت شرعية أو عقلية، إنما تبدأ بعد أن يوجد الوجوب المجعول، و يصبح فعليا بفعلية كل القيود المأخوذة فيه، فالمسئولية تجاه الطهارة و الوضوء مثلا، تبدأ من قبل وجوب صلاة الظهر بعد ان يصبح هذا الوجوب فعليا يتحقق شرطه و هو الزوال، و أما قبل الزوال فلا مسئولية تجاه قيود الواجب، إذ لا وجوب لكى يكون الإنسان ملزما عقلا بامثاله، و توفير كل ما له دخل فى ذلك.

المسئولية قبل الوجوب:

إذا كان للواجب مقدمة عقلية أو شرعية و كان وجوبه منوطا بزمان معين، و افترضنا ان تلك المقدمة من المتعذر على المكلف إيجادها فى ذلك الزمان، و لكن كان بإمكانه إيجادها قبل ذلك، فهل يكون المكلف مسئولا عقلا عن توفيرها أولا؟

و مثال ذلك، ان يعلم المكلف بأنه لن يتمكن من الوضوء و التيمم عند الزوال لانعدام الماء و التراب، و لكنه يتمكن منه قبل الزوال، فهل يجب عليه ان يتوضأ قبل الزوال أو لا؟.

و الجواب: ان مقتضى القاعدة هو عدم كونه مسئولا عن ذلك، إذ قبل الزوال لا وجوب للصلاة لكى يكون مسئولا من ناحيته عن توفير المقدمات للصلاة، و إذا ترك المقدمة قبل الزوال فلن يحدث وجوب عند الزوال ليبتلى بمخالفته لأنه سوف يصبح عند الزوال عاجزا عن الإتيان بالواجب، و كل تكليف مشروط بالقدرة، فلا ضرر عليه فى ترك إيجاد المقدمة قبل الزوال، و كل مقدمة يفوت الواجب بعدم المبادرة إلى الإتيان بها قبل زمان الوجوب، تسمى بالمقدمة المفوتة. و بهذا صح ان القاعدة تقتضى عدم كون المكلف مسئولا عن المقدمات المفوتة.

و لكن قد يتفق أحيانا ان يكون للواجب دائما مقدمة مفوتة على نحو لو لم يبادر المكلف إلى إيقاعها قبل الوقت لعجز عن الواجب فى حينه. و مثال ذلك: الوقوف بعرفات الواجب على من يملك الزاد و الراحلة، فإن الواجب منوط بظهور

اليوم التاسع من عرفة، و لكن لو لم يسافر المكلف قبل هذا الوقت، لما أدرك الواجب في حينه، و في مثل ذلك لا شك فقيها في ان المكلف مسئول عن إيجاد المقدمة المفوتة قبل الوقت، و قد وقع البحث أصوليا في تفسير ذلك و تكييفه، و انه كيف يكون المكلف مسئولا عن توفير المقدمات لامتنال وجوب غير موجود بعد، و ستأتي بعض المحاولات في تفسير ذلك في حلقة مقبلة.

اقسام قیود واجب

تا کنون سخن از قیود واجبی بود که شارع مقدس آن‌ها را در واجب اخذ کرده باشد؛ مثل طهارت که شارع مقدس آن را در نماز اخذ نموده است. شارع مقدس با اخذ یک قید در متعلق وجوب، موجب می‌شود که متعلق وجوب یا همان واجب، مختص به صورت مقید به این قید شود و دیگر شامل حالتی که این قید فراهم نیست، نگردد. در واقع به وسیله این قید، واجب تخصیص می‌شود و تنها حصه خاصی به عنوان مطلوب شارع مطرح می‌گردد. بنابراین وقتی شارع مقدس، طهارت را در نماز اخذ نمود باعث می‌شود که واجب، مختص به نماز با طهارت شود و نماز بی طهارت واجب محسوب نشده و در دایره متعلق وجوب نگنجد.

این قیود را که شارع در واجب اخذ می‌کند، قیود یا مقدمات شرعی می‌نامیم.

اما برخی از قیود و مقدمات شرعی نیستند بلکه تکوینی‌اند و اگر شارع هم آن‌ها را اخذ نکند به حکم عقل ثابت هستند و تکوین است که چنین قیودی را برای واجب مقرر می‌کند؛ مثل تهیه وسیله نقلیه برای سفر واجبی که پیاده نمی‌شود رفت. با این توضیح که در عالم تکوین، تهیه وسیله نقلیه، مقدمه سفر واجب محسوب می‌شود؛ لذا به حکم عقل، تحصیل این مقدمه، واجب می‌گردد.

قیودی که شارع مقدس برای واجب اخذ نکرده است -بلکه عالم تکوین آن را برای واجب مقرر نموده است- اصطلاحاً قید یا مقدمه عقلی نامیده می‌شوند.

پس مقدمات دو گونه‌اند؛ یا به وسیله شارع اخذ می‌گردند که قید شرعی نامیده می‌شوند و یا عالم تکوین آن‌ها را شرط می‌کند که اصطلاحاً مقدمه عقلی نامیده می‌شوند.^۱

FG

۱. مقدمه شرعی: مقدمه‌ای که به وسیله شارع در تکلیف اخذ شده است.

۲. مقدمه عقلی: مقدمه‌ای که تکوین و واقع آن‌ها را شرط می‌کند، اگرچه شارع اشاره‌ای به آن نکند.

اقسام مقدمات تکلیف

تطبیق

قیود الواجب علی قسمین:

قیود واجب بر دو قسمند

^۱ إن المقدمة الخارجية تنقسم إلى قسمين عقلية و شرعية. الف) المقدمة العقلية هي كل أمر يتوقف عليه وجود الواجب توقفاً واقعياً يدركه العقل بنفسه من دون استعانة بالشرع كتوقف الحج على قطع المسافة. ب) المقدمة الشرعية هي كل أمر يتوقف عليه الواجب توقفاً لا يدركه العقل بنفسه بل يثبت ذلك من طريق الشرع كتوقف الصلاة على الطهارة و استقبال القبلة و نحوهما و يسمى هذا الأمر أيضاً الشرط الشرعي باعتبار أخذه شرطاً و قيداً في الأمور به عند الشارع مثل (قوله عليه السلام: لا صلاة إلا بطهور) المستفاد منه شرطية الطهارة للصلاة. (محمد رضا المظفر، أصول الفقه، ج ۱، صفحہ ۲۷۲).

عرفنا حتی الآن من قيود الواجب القيد الذي يأخذه الشارع قيذا، فيحصص به الواجب و يأمر بالحصة الخاصة، كالطهارة و تسمى هذه بالقيود أو المقدمات الشرعية.

تا بدین جا از قيود واجب، با قيودی آشنا شدیم که شارع به عنوان قيد اخذ می کند و به وسیله آن واجب را تخصیص می نماید و به حصه خاصی امر می کند، مانند طهارت، و این ها قيود یا مقدمات شرعیه نامیده می شوند.

و هناك قيود و مقدمات تكوينية يفرضها الواقع بدون جعل من قبل المولى، و قيود و مقدمات تكوينية ای وجود دارند که واقع (و تكوين) آن ها را لازم می کند، بدون جعل (و انشائي) از ناحیه مولا.

و ذلك من قبيل إيجاد واسطة نقل، فانها مقدمة تكوينية للسفر بالنسبة إلى من لا يستطيع المشي على قدميه، و این قيود از قبیل ایجاد وسیله نقلیه است که مقدمه تكوينية برای سفر است نسبت به کسی که توانایی راه رفتن بر پاهایش را ندارد.

فإذا وجب السفر كان توفير واسطة النقل مقدمة^١ للواجب حتى بدون ان يشير إليها^٢ المولى، أو يحصص الواجب بها^٣، و تسمى بالمقدمة العقلية.

پس هنگامی که سفر واجب می گردد، تهیه وسیله نقلیه نیز مقدمه واجب می گردد، حتی بدون اینکه مولا بدان اشاره کند یا واجب را به وسیله آن تخصیص نماید. و (این مقدمات) مقدمه عقلیه نامیده می شود.

SCO۱:۷:۳۸

مقایسه مقدمه شرعی و عقلی

مقدمات عقلیه از جهت حکم، همانند مقدمات شرعیه هستند، در نتیجه اگر تنها مقدمه و قيد واجب باشند تحصیل آنها بر مکلف لازم است؛ اما اگر قيد وجوب باشند یا اینکه قيد وجوب و واجب باشند تحصیل آن بر مکلف لازم نیست؛ چراکه قبل از حصول مقدمه وجوب، وجوبی فعلیت نیافته تا فراهم آوردن مقدمه را بر عهده مکلف بگذارد؛ لذا تحصیل مقدمه وجوب، بر مکلف لازم نیست. ولی در مورد مقدمه واجب، بواسطه فعلیت یافتن وجوب قبل از وجود مقدمه، مکلف در قبال تحصیل مقدمه، عقلاً مسئولیت دارد.

نکته مهم این است که مسئولیت مکلف در قبال قيود واجب -چه شرعی و چه عقلی- تنها وقتی است که وجوب در حق مکلف فعلی شده باشد؛ بنابراین مکلف زمانی در قبال وضو گرفتن تکلیف دارد که وجوب نماز در حق او

^١. خبر کان.

^٢. مرجع ضمیر: واسطه نقل.

^٣. مرجع ضمیر: واسطه نقل.

فعلى شده باشد و تمام قيود وجوب محقق شده باشند؛ لذا قبل از زوال شمس که قيد وجوب است تحصيل طهارت به عنوان قيد واجب، لازم التحصيل نيست.^۱

FG

۱. اگر قيد، قيد واجب باشد ← مكلف بايد قيد و مقيد را اتيان كند.
۲. اگر قيد، قيد وجوب باشد ← مكلف بايد بعد از حصول قيد، ذات واجب را مقيداً به قيد، اتيان كند.
۳. اگر قيد، قيد واجب و وجوب باشد ← مكلف بايد بعد از حصول قيد، ذات واجب را مقيداً به قيد، اتيان كند.

مسئوليت مكلف در
قبال قيود عقلي

تطبيق

و المقدمات العقلية للواجب من ناحية مسئولية المكلف تجاهها^۲ كالقيود الشرعية، و مقدمات عقلية واجب، از ناحیه مسئولیت مکلف در قبال آن مانند قيود شرعيه اند فإن أخذت المقدمة العقلية للواجب قيوداً للوجوب لم يكن المكلف مسئولاً عن توفيرها، در نتیجه اگر مقدمه عقليه واجب، قيد وجوب قرار گیرد، مكلف نسبت به تهيه آن مسئول نيست و الا كان مسئولاً عقلاً عن ذلك^۳، بسبب كونه^۴ ملزماً بامتنال الأمر الشرعي الذي^۵ لا يتم بدون إيجادها^۶. وگرنه عقلاً نسبت به آن مسئول است؛ به سبب اينكه موظف به امتثال امر شرعي ای است كه بدون ايجاد مقدمه تمام نمی گردد.

و المسؤولية تجاه قيود الواجب سواء كانت شرعية أو عقلية، إنما تبدأ بعد أن يوجد الوجوب المجعول، و يصبح^۱ فعلياً بفعلية^۲ كل القيود المأخوذة فيه،

^۱. تنقسم المقدمات الدخيلة في الواجب الشرعي إلى ثلاثة أقسام: الأول: المقدمات التي تتوقف عليها فعلية الوجوب، ... و تسمى هذه المقدمات بالمقدمات الوجوبية، كالاستطاعة بالنسبة إلى وجوب الحج. الثاني: المقدمات التي يتوقف عليها امتثال الأمر الشرعي بسبب أخذ الشارع لها قيداً في الواجب. و تسمى بالمقدمات الشرعية الوجودية، كالوضوء بالنسبة إلى الصلاة. الثالث: المقدمات التي يتوقف عليها امتثال الأمر الشرعي بدون أخذها قيداً من قبل الشارع، كقطع المسافة إلى الميقات بالنسبة إلى الحج الواجب على البعيد. دروس في علم الأصول، حلقه ثالثه، صفحه ۱۹۹، المسؤولية تجاه القيود و المقدمات).

^۲. تجاهاً: تمييز متعلق به مسئولية.

^۳. مرجع اسم اشاره: توفير مقدمه.

^۴. مرجع ضمير: مكلف.

^۵ صفت امتثال.

^۶. مرجع ضمير: مقدمه.

و مسئولیت در قبال قیود واجب، چه شرعی باشند چه عقلی، تنها بعد از ایجاد شدن وجوب جعل شده و فعلی شدن بواسطه فعلیت تمام قیودی که در وجوب اخذ شده‌اند، آغاز می‌شود.

فالمسئولية تجاه الطهارة و الوضوء مثلا، تبدأ من قبل وجوب صلاة الظهر بعد ان يصبح هذا الوجوب فعليا بتحقيق^۳ شرطه و هو الزوال،

پس مسئولیت در قبال طهارت و وضو مثلا، از ناحیه وجوب نماز ظهر نشأت می‌گیرد بعد از اینکه این وجوب بواسطه تحقق شرطش که زوال است فعلی گردد.

و أما قبل الزوال فلا مسئولية تجاه قیود الواجب، إذ لا وجوب لكي يكون الإنسان ملزما عقلا بامثاله^۴، و توفير كل ما له دخل في ذلك^۵.

و اما قبل از زوال پس هیچ مسئولیتی در قبال قیود واجب نیست، چراکه وجوبی نیست تا انسان عقلا موظف به امتثال آن و تهیه تمام آنچه در امتثال آن دخالت دارند باشد.

SCO۲:۱۶:۲۹

مقدمات مفوته

تا بدین جا دانستیم که قیود واجب گاه عقلی‌اند و گاه شرعی و از حیث احکام تفاوتی بین این دو نیست. اینک بحث درباره مقدمات واجبی است که اگر مکلف قبل از زمان فعلیت وجوب مبادرت به انجام آنها نکند بعد از زمان فعلیت یافتن وجوب دیگر نمی‌تواند این مقدمات را فراهم نماید و بر همین اساس، واجب از او فوت می‌شود.

هر مقدمه‌ای که عدم شتاب مکلف به انجام آن قبل از زمان فعلیت وجوب، موجب فوت واجب شود، یعنی واجب را برای مکلف غیر مقدور نماید، مقدمه مفوته نامیده می‌شود.

فرض بگیرید که شما بعد از زوال شمس، آب و خاک در اختیار ندارید تا با وضو یا تیمم تحصیل طهارت کنید. در اینجا اگر قبل از زوال شمس وضو نگیرید یا تیمم نکنید، دیگر بعد از زوال امکان تحصیل طهارت نیست و دیگر نمی‌توان نماز را اتیان کرد. حال سؤال این است که اتیان این‌گونه مقدمات، قبل از فعلیت یافتن وجوب لازم است یا خیر؟

مقتضای قاعده این است که مکلف مسئولیتی در قبال این مقدمات نداشته باشد و تحصیل آنها بر او لازم نباشد. او می‌تواند قبل از زوال، مقدمه را فراهم نکند، اگر چه بعد از زوال هم قادر بر تحصیل آن نباشد.

۱. عطف به یوجد.

۲. جار و مجرور متعلق به یصبح.

۳. در نسخ «بتحقق» وجود دارد که با توجه به سیر مطلب و عبارات قبل، «بتحقق» به صواب نزدیک‌تر است.

۴. مرجع ضمیر: وجوب.

۵. مشارالیه: امتثال.

علت این است که قبل از زوال وجوبی برای نماز فعلی نشده است تا مکلف، از قبل آن، در قبال مقدمه واجب مسئول شود، چراکه وجوب مقدمه از ناحیه وجوب ذی‌المقدمه حاصل می‌گردد و بدون فعلیت وجوب واجب، مقدمه آن نیز وجوب نخواهد یافت.

بعد از زوال هم -حسب فرض- عاجز از تحصیل طهارت است و دیگر مکلف به آن نیست؛ چون همواره، مسئولیت متوقف بر قدرت است؛ پس وجوب نماز به هنگام زوال شمس بر او فعلی نمی‌شود، چون قادر بر امتثال نیست؛ لذا مکلف بدون هیچ دغدغه‌ای می‌تواند از انجام مقدمه واجب سر باز زند، حتی اگر موجب عدم قدرت بر اتیان واجب گردد.

تطبیق

المسئولية قبل الوجوب:

مسئولیت قبل از وجوب

إذا كان للواجب مقدمة عقلية أو شرعية و كان وجوبه^۱ منوطاً بزمان معين و افترضنا ان تلك المقدمة من المتعذر على المكلف إيجادها في ذلك الزمان، و لكن كان بإمكانه إيجادها^۲ قبل ذلك^۳ فهل يكون المكلف مسؤولاً عقلاً عن توفيرها أو لا؟

هنگامی که واجب مقدمه عقلیه یا شرعیه داشته باشد و وجوبش منوط به زمان معینی باشد و فرض کنیم که ایجاد این مقدمه در آن زمان برای مکلف ناممکن است ولی برای او ممکن است که قبل از آن زمان، مقدمه را ایجاد کند، آیا مکلف عقلاً مسئول تهیه مقدمه است یا خیر؟

و مثال ذلك، ان يعلم المكلف بأنه لن يتمكن من الوضوء و التيمم عند الزوال لانعدام^۴ الماء و التراب، و لكنه يتمكن منه^۵ قبل الزوال، فهل يجب عليه ان يتوضأ قبل الزوال أو لا؟

و مثال آن این است که مکلف می‌داند که هنگام زوال توانایی وضو و تیمم را بواسطه از بین رفتن آب و خاک ندارد، ولی توانایی آن را قبل از زوال دارد؛ آیا بر او واجب است که قبل از زوال وضو بگیرد یا خیر؟
و الجواب: ان مقتضى القاعدة هو عدم كونه مسؤولاً عن ذلك^۶، إذ قبل الزوال لا وجوب للصلاة لكي يكون مسؤولاً من ناحيته^۷ عن توفير المقدمات للصلاة،

۱. مرجع ضمير: واجب.

۲. مرجع ضمير: مقدمه.

۳. مشاراليه: زمان معين.

۴. متعلق به لن يتمكن.

۵. مرجع ضمير: الوضوء.

۶. مشاراليه: توضؤ قبل الزوال.

۷. مرجع ضمير: وجوب.

و جواب اینکه مقتضای قاعده، مسئول نبودن مکلف در قبال این مقدمات است؛ چراکه قبل از زوال، وجوبی برای نماز نیست تا از ناحیه آن مسئول تهیه مقدمات نماز باشد

و إذا ترك المقدمة قبل الزوال فلن يحدث وجوب عند الزوال لیبتلی بمخالفته لأنه سوف یصبح عند الزوال عاجزا عن الإتيان بالواجب، و كل تكليف مشروط بالقدرة، فلا ضير^۱ عليه^۲ في ترك إيجاد المقدمة قبل الزوال،

و هنگامی که مقدمه را قبل از زوال ترک کرد دیگر وجوبی هنگام زوال حادث نمی‌گردد تا به واسطه مخالفت با آن مبتلا (به عقاب) گردد؛ زیرا او هنگام زوال، از اتيان واجب عاجز می‌گردد و هر تکلیفی مشروط به قدرت است. پس اشکالی بر او در ترک ایجاد مقدمه قبل از زوال نیست.

و كل مقدمة يفوت الواجب بعدم المبادرة إلى الإتيان بها قبل زمان الوجوب، تسمى بالمقدمة المفوتة. و بهذا صح ان القاعدة تقتضي عدم كون المكلف مسئولا عن المقدمات المفوتة.

و هر مقدمه‌ای که واجب به واسطه عدم شتاب به اتيان آن قبل از زمان واجب فوت شود، مقدمه مفوته نامیده می‌شود. و بدین صورت صحیح است که قاعده، عدم مسئولیت مکلف در قبال مقدمات مفوته را اقتضا کند.

SCOR: ۲۸:۳۰

مقدماتی که همواره مفوته‌اند

بعد از آن‌که دانستیم مکلف در قبال مقدمات مفوته مسئولیتی ندارد؛ لازم است به این نکته توجه شود که برخی از مقدمات در قبال واجب، همیشه مفوته هستند؛ یعنی همواره این‌گونه هستند که اگر قبل از زمان وجوب اتيان نشوند، در وقت وجوب، واجب فوت خواهد شد و مکلف دیگر نمی‌تواند واجب را اتيان کند.

مثل وقوف در عرفات که حاجی باید ظهر روز عرفه در عرفات باشد. زمان آغاز وجوب وقوف، هنگام زوال شمس روز نهم ذی الحجه است و او باید قبل از زوال به عرفات سفر کند تا هنگام زوال در عرفات باشد. این سفر، مقدمه مفوته وقوف در عرفات است و همیشه نسبت به وقوف در عرفات حالت مفوته دارد، بدین معنا که اگر این سفر قبل از فعلیت یافتن وجوب وقوف محقق نشود، واجب فوت خواهد شد و به هیچ وجه امکان اتيان واجب فراهم نخواهد گردید.

مقدمه مفوته ممکن است عقلی باشد یا شرعی؛ سفر برای وقوف در عرفات، مقدمه همیشه مفوته عقلی است. مثال مقدمه همیشه مفوته شرعی، غسل برای روزه است. زمان فعلیت وجوب روزه، طلوع فجر است و روشن است که در چنین حالتی دیگر مجال غسل وجود ندارد و باید برای روزه، قبل از طلوع فجر غسل انجام گیرد تا مکلف قادر به روزه باشد؛ لذا غسل نسبت به روزه، مقدمه شرعی همیشه مفوته است و اگر قبل از زمان فعلیت وجوب روزه، غسل نکند همواره روزه از او فوت خواهد شد.

^۱. ضير یعنی ضرر.

^۲. مرجع ضمير: مکلف.

همه فقها به وجوب تحصیل مقدمات دائماً مفوته حکم کرده‌اند و باید ببینیم چگونه وجوب مقدمات مفوته را قبل از زمان تحقق وجوب توجیه می‌کنند؟

راه حل هایی برای این مشکل مطرح شده است که در حلقه ثالثه به آنها خواهیم پرداخت.^۱

FG

۱. مقدمه‌ای که برخی اوقات مفوته است: مکلف هیچ مسئولیتی نسبت به انجام آن ندارد. مانند وضو برای نماز در فرض عدم امکان وضو بعد از زوال.

مثال مقدمه عقلی: سفر به عرفات برای وقوف در عرفات.

مثال مقدمه شرعی: غسل نسبت به روزه ماه مبارک رمضان.

۲. مقدمه دائماً مفوته: مکلف در قبال تحصیل آن مسئول است.

اقسام مقدمات
مفوته

تطبيق

و لكن قد يتفق أحياناً ان يكون للواجب دائماً مقدمة مفوته على نحو لو لم يبادر المكلف إلى إيقاعها قبل الوقت لعجز عن الواجب في حينه.

۱. و قد ذكرت في المقام عدة تفسيرات.

التفسير الأول: إنكار الوجوب المشروط رأساً و افتراض ان كل وجوب فعلى قبل تحقق الشروط و القيود المحددة له في لسان الدليل ... و قد تقدم ان الصحيح إمكان الوجوب المشروط ...

التفسير الثاني: و هو يعترف بإمكان الوجوب المشروط، و لكن يقول بإمكان الوجوب المعلق أيضاً و يفترض انه في كل مورد يقوم فيه الدليل على لزوم المقدمة المفوته من قبل وجوب ذبها نستكشف ان الوجوب معلق ...

التفسير الثالث: ان القدرة المأخوذة قيماً في الوجوب، ان كانت عقلية بمعنى انها غير دخيلة في ملاكه، فهذا يعني ان المكلف بتركه للمقدمة المفوته يعجز نفسه عن تحصیل الملاك، مع فعليته في ظرفه، و هذا لا يجوز عقلاً، لأن تفويت الملاك بالتعجيز، كتفويت التكليف بالتعجيز، و ان كانت القدرة شرعية بمعنى انها دخيلة في الملاك أيضاً، فلا ملاك في فرض ترك المكلف للمقدمة المفوته المؤدى إلى عجزه في ظرف الواجب، و في هذه الحالة لا مانع من ترك المقدمة المفوته. و على هذا ففي كل حالة يثبت فيها كون المكلف مسؤولاً عن المقدمات المفوته نستكشف من ذلك ان القدرة في زمان الواجب غير دخيلة في الملاك، كما انه في كل حالة يدل فيها الدليل على ان القدرة كذلك يثبت لزوم المقدمات المفوته ... (دروس في علم الأصول، حلقه ثالثه، ص ۲۰۹، المسؤولية عن المقدمات قبل الوقت).

۲. و الذي أعتقده أنه لا موجب لكل هذه المحاولات لتصحيح وجوب المقدمة قبل زمان ذبها فإن الصحيح كما أفاده شيخنا الأصفهاني رحمه الله أن وجوب المقدمة ليس معلولاً لوجوب ذبها و لا مترشحاً منه فليس هناك إشكال في وجوب المقدمة المفوته قبل زمان ذبها حتى نلتجئ إلى إحدى هذه المحاولات لفك الإشكال و كل هذه الشبهة إنما جاءت من هذا الفرض و هو فرض معلولية وجوب المقدمة لوجوب ذبها و هو فرض لا واقع له أبداً ... (محمد رضا المظفر، اصول الفقه، ج ۱، صفحه ۲۸۰).

ولی گاهی اتفاق می‌افتد که واجب مقدمه دائماً مفوته دارد، به نحوی که اگر مکلف به ایجاد آن قبل از وقت شتاب ننماید از انجام واجب در زمان خودش عاجز می‌گردد.

و مثال ذلك: الوقوف بعرفات الواجب على^۱ من يملك الزاد والراحلة، فإن الواجب منوط بظهور اليوم التاسع من عرفة، ولكن لو لم يسافر المكلف قبل هذا الوقت، لما أدرك الواجب في حينه،

و مثال آن وقوف در عرفات است که هر کسی که توشه و وسیله سفر را داراست واجب می‌باشد. پس همانا واجب، متوقف بر ظهر روز نهم از عرفه است، ولی اگر مکلف قبل از این وقت سفر را انجام ندهد، واجب را در زمانش درک نخواهد کرد.

و فی مثل ذلك لا شک فیها فی ان المكلف مسئول عن إيجاد المقدمة المفوتة قبل الوقت،

و در چنین حالاتی شکی نیست در این که مکلف در قبال ایجاد مقدمه مفوته قبل از وقت، مسئول است و قد وقع البحث أصولياً فی تفسیر ذلك و تکیفیه، و انه کیف یكون المكلف مسئولاً عن توفير المقدمات لامثال وجوب غیر موجود بعد، و ستأتی بعض المحاولات فی تفسیر ذلك فی حلقة مقبلة.

و بحث اصولی واقع شده است در تفسیر و بیان کیفیت آن و اینکه چگونه مکلف مسئول تهیه مقدمات است برای اینکه در آینده وجوبی را که اکنون موجود نیست امتثال کند. و برخی تلاش‌ها در تفسیر آن در حلقه آینده خواهد آمد.

SCO۴:۳۸:۴۷

^۱. متعلق: واجب.

چکیده

۱. مقدمات دو گونه‌اند؛ یا به وسیله شارع اخذ می‌گردند که قید شرعی نامیده می‌شوند و یا عالم تکوین آنها را شرط می‌کند که اصطلاحاً مقدمه عقلی نامیده می‌شوند.
۲. مقدمات عقلیه - همانند مقدمات شرعیه - اگر تنها مقدمه و قید واجب باشند، تحصیل آنها بر مکلف لازم است، اما اگر قید وجوب باشند یا اینکه قید وجوب و واجب باشند، تحصیل آن بر مکلف لازم نیست.
۳. مسئولیت مکلف در قبال قیود واجب - چه شرعی و چه عقلی - تنها وقتی است که واجب در حق مکلف فعلی شده باشد.
۴. هر مقدمه‌ای که عدم شتاب مکلف به انجام آن قبل از زمان فعلیت وجوب، موجب فوت واجب شود، یعنی واجب را برای مکلف غیر مقدور نماید، مقدمه مفوته نامیده می‌شود.
- مقتضای قاعده این است که مکلف مسئولیتی در قبال این مقدمات نداشته باشد و تحصیل آنها بر او لازم نباشد؛ زیرا اساساً قبل از زوال، وجوبی برای نماز فعلی نشده است تا از قبل آن، مقدمه واجب لازم گردد. بعد از زوال هم به واسطه عدم تحصیل مقدمه، مکلف عاجز از انجام واجب است و تکلیفی ندارد، چون مسئولیت، همواره متوقف بر قدرت است.
۵. برخی از مقدمات در قبال واجب، همیشه مفوته هستند؛ یعنی همواره این گونه هستند که اگر قبل از زمان وجوب اتیان نشوند، در وقت وجوب، واجب فوت خواهد شد.
۶. مقدمه مفوته ممکن است عقلی باشد یا شرعی؛ سفر برای وقوف در عرفات، مقدمه دائماً مفوته عقلی است و غسل برای روزه، مقدمه دائماً مفوته شرعی است.
۷. همه فقها به وجوب تحصیل مقدمات دائماً مفوته حکم کرده‌اند و باید ببینیم چگونه وجوب مقدمات مفوته را قبل از زمان تحقق وجوب توجیه می‌کنند.